

● **توجه به تهذیب در حوزه‌های علمیه از ابتدای ورود**

اما این مسئله باید در هر حوزه‌ای مورد توجه خاص قرار بگیرد؛ چراکه از ابتدای گزینش طلاب باید توجه داشته باشیم که ما برای تهذیب و تعلم آمده‌ایم. خدا رحمت کند استاد ما مرحوم آیت‌الله مجتهدی رحمه‌الله که می‌فرمودند: به نظر من تعبیر آموزش و پرورش، تعبیر غلطی است و تعبیر پرورش و آموزش صحیح است؛ چراکه پرورش است که ماهیت انسان را شکل می‌دهد. پرورش علمی هم همین‌طور است. مطالب علمی را که بیان می‌شود، دستگاه ضبط صوت هم نگهداری می‌کند؛ اما آنها را پرورش نمی‌دهد. با پرورش و تولید کردن مباحث جدید است که پرورش علمی صورت می‌پذیرد. بنابراین تربیت در ساحت‌های مختلف انسان وجود دارد. استادامان مرحوم آیت‌الله سعادت پرور می‌گفت: این مطلب اشتباهی در ذهن ما وارد شده است که وقتی از طلبه تازه وارد در حوزه سؤال می‌شود: هدف شما از ورود به حوزه علمیه چیست؟ می‌گوید: می‌خواهم دیگران را تربیت کن؛ درصورتی‌که باید توجه به خودمان باشد. توجه به خود خیلی اهمیت دارد. در عرصه‌های تعلیم و تعلم شاگرد باید توجه به خود داشته باشد تا خوب بفهمد و استاد باید توجه به خود داشته باشد تا خوب مطلب را منتقل کند یا اینکه کارش خالصانه باشد.

گاهی توجه به خود در عرصه اجتماع و در تعلیم و تعلم مخفی می‌شود و لازم است، همواره به این مسئله متوجه باشیم و دیگران را نیز توجه بدهیم؛ چراکه برای تهذیب و پاک شدن از آلودگی‌ها، محور، حوزه‌های علمیه است.

● **بیان مسائل اخلاقی نیاز به متخصص آن دارد**

اما باید توجه داشت که شیوه‌های تعلیم و تعلم، مسائل اخلاقی متفاوت است و بستگی به نحوه ورود در مباحث اخلاقی و تربیتی دارد. در حوزه‌ها عمدتاً شروع کار با مباحث اخلاقی است و محور آن، بیان فضائل و دوری از رذائل و راهکارهای آن است. منطق اولیه تعلیم قرآن، سنت و روایات به‌همین صورت است. در برخی آیات و روایات صرف فضیلت یا رذیله بیان می‌شود و در آیات و روایات دیگر، راه‌های کسب فضیلت یا دوری از رذیله بیان می‌شود. این مباحث نیاز به کارشناسی دارد و هر کسی نمی‌تواند وارد این عرصه بشود. نظام تعلیم و تعلم در همه عرصه‌ها این چنین است؛ به‌عنوان مثال صرف و نحو غیر از تلاوت است. تلاوت فقط خواندن صحیح را تعلیم می‌دهد؛ درحالی‌که در صرف و نحو متوجه می‌شویم، چنانچه کلمه‌ای غلط خوانده شود، چه بازتابی خواهد داشت. شخصی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید و آیه را غلط خواند. حضرت برایش بیان کردند که اولاً غلط خوانده است و بعد برایش روشن کردند که این غلط خواندن چه تأثیری در معنی خواهد داشت و مسائل نحوی را برای او بازگو کردند و بنیان مسائل نحوی، توسط ایشان بنیان‌گذاری شد. خاصیت علم نحو درک صحیح مفاهیم است که اگر مفاهیم طبق قواعد نحوی استفاده نشوند، بساط تعلیم و تعلم از یادگیری معنی‌ها و معانی دور خواهد شد. در مباحث اخلاقی نیز همین‌طور است و باید این مسائل تبیین بشود. در مباحث مختلف نیاز به فقا‌هت یا فهمیدن وجود دارد. حکمی در قرآن کریم دیده می‌شود که لازم است، به مشخصات و مقیدات و ناسخ و منسوخ آن توجه شود. در مسائل اخلاقی هم، کار به‌همین صورت است و حوزه‌ها متکفل این مباحث هستند.

بیان شیوه‌های تعلیم و تعلم در مسائل اخلاقی و تربیتی، صحبتی جداگانه می‌طلبد.

● **تعید اساس تهذیب در حوزه‌ها**

اما به نظر حقیر اساس مسئله معنویت و تهذیب در حوزه‌ها که پابستگی از ابتدا تا انتها وجود داشته باشد، تعیّد به دستورات شرع مقدّس است. مسئله تعیّد باید به‌طور خاص برای طلاب شکل بگیرد که بعد از شروع مراحل مختلفی پیدا می‌کند؛ یعنی اگر کسی که درجه اجتهاد رسید، بعد از مراحل تفقّه، تعیّد پیدا می‌کند. لذا می‌بینیم، مراجع و فقها تا زمانی که به‌دلیل جراید نرسیده‌اند، به‌همان دلالی‌که در تفحص خود دست یافته‌اند، عمل می‌کنند و تا زمانی که خود یا دیگری دلیل جدیدی را نیابند، از نظر خودشان دست برنمی‌دارند که نشانه تعبد است. ویژگی حوزه‌های علمیه بعد از طی این مراحل، همان تعبد است. امروز هم نوبت به انقلاب اسلامی رسیده است که شاخص انقلاب نیز، همان تعبد است. دین برای اقامه است. حضرت امام علیه السلام و سایر فقهای این نکته را به‌صورت اصلی قائل هستند که دین برای اقامه است. قرآن کریم در سوره مبارکه شوری آیه ۱۳ می‌فرماید: «شرع لکم من الدّین ما وُضیّ به و ما اوحینا الیک و ما وُضینا به ابراهیم و موسی و عیسیٰ أن أقیم الدّین» که برای ما بیان می‌کند که اقامه دین اساس است و بعد بحث می‌کند که اقامه دین در چه شئونی است و ما مقدّر می‌توانیم و باید اقامه دین داشته باشیم؛ اما اصل اقامه دین محرز و مسلم است و اقامه‌کنندگان نبی اکرم و ائمه علیهم السلام هستند که در اثر طغیان حاکمان ظلم، موفق به تحقق اقامه دین نشدند؛ اما این مقصد از دین گرفته نشده است و هر زمانی زمینه برای اقامه دین محقق بشود، دین باید اقامه بشود. امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «و من قبلنی بقبول الحق قاله أولى بالحق»؛ این وظیفه امام است که در معرض قرار بگیرد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «مثل امّ مثل کعبه است». ائمه علیهم السلام خود را در معرض قرار دادند؛ اما اقامه دین تحقق پیدا نکرد. بعد از ائمه علیهم السلام نیز، جانشینان آنها که فقها هستند، همیشه در معرض بودند؛ اما نوبت به امام راحل علیه السلام که رسید، این معرضیت باعث شد تا حکومت اسلامی شکل بگیرد. البته ضرورت تهذیب در امر اقامه دین برای افراد مختلف بیشتر نمایان می‌شود. امام صادق علیه السلام به شیعیان فرمودند: کار خوب از همه خوب است؛ اما از شما خوب‌تر است و کار بد از همه بد است؛ ولی از شما که به ما انتصاب دارید، بدتر است. فقیه از چنین روایاتی ملاک روشی برای زندگی را اخذ می‌کند و در همه عرصه‌های اقامه دین آن را درنبال می‌کند. با نباید وارد بشویم و با اگر وارد شدیم، باید به این مسائل ملتزم باشیم و به‌طور دائم مسئله تهذیب را ادامه بدهیم.

تعلیم و تعلم در عرصه‌ای شکل می‌گیرد؛ اما اگر مباحث دین باید در عرصه زندگی شکل بگیرد و در ذهن افراد حضور داشته باشد، لازم است، این ارتباط برای عالمان و معلمان شکل بگیرد؛ یعنی مباحث تهذیبی و تربیتی باید همواره در تعلیم وجود داشته باشد و باید دانست، اثر تربیت و تهذیب دیرتر از از مباحث تعلیمی خود را نشان می‌دهد؛ چراکه این مباحث منجر به تغییر حالات نکوهیده و جلوگیری از طغیان نفس است. «إنّ الانسان لیطغی أن رآه استغنی» و با «وأما من خاف مقام ربّه و نهیٰ النفس عن الهوی فان الجنة هي المأوی وأما من طغیٰ وآثر الحیاة الدنّیّا». طغیان در همه عرصه‌ها ممکن است. امیرالمؤمنین علیه السلام کامل‌ترین دستور حکومتی



را خطاب به مالک اشتر بیان فرموده‌اند که یک کتاب عمیق دستوری در ابعاد مختلف است. حضرت نصایح مختلفی را در نامه خودشان به مالک‌اشتر داشتند و در جایی می‌فرمایند: «ای مالک! توجه داشته باش که محور تحقق حق است. این‌طور گمان نکن که در جایگاه بالا قرار گرفته‌ای. اگر چنین معنایی در ذهن تو وارد شد، بدان! تحت لوای کسی هستی که خود او نیز بنده خداست». حضرت بالاترین توجهات تهذیبی را به بالاترین مناصب در جامعه ارتباط می‌دهند. ایشان در اواخر نامه شریف می‌فرمایند: ای مالک! بهترین اوقات را برای مسائل معنوی قرار بده؛ یعنی در عرصه خدمت، اصل را فراموش نکن که همان معنویت و توجه به خدای متعال است. مسائل تهذیبی در مکتب اهل بیت علیهم السلام این- چنین است. همه ما این‌گونه هستیم که لاقاف همان‌طور که مسئله فراگیری علوم را در سطحی به‌طور دائم دنبال می‌کنیم، لازم است مسائل تهذیبی را نیز در سطحی خاص و به‌طور دائم دنبال کنیم و نباید از مسائل اولیه تعبد به شرع مقدس افول کنیم. چنانچه انسان با هدف مقدس وارد عرصه‌های تبلیغی بشود، به‌وسیله دید معنوی که دارد، هر قدمی که بردارد، زندگی برای خودش رقم خواهد زد. ما به این مسائل قائلیم و معارف ما برای ما بیان فرموده‌اند که انسان هیچ‌گاه خبری به دیگری نخواهد رسانید؛ مگر اینکه ابتدا خبری به خودش می‌رساند و هیچ‌گاه شری به دیگری نمی‌رساند؛ مگر اینکه ابتدا به خودش شر می‌رساند. مسئله همیشه از خود ما شروع می‌شود. این خودسازی و خودشناسی وجود دارد؛ حال «اما شاکراً و اما کفوراً».

● **اهمیت «توجه» در خودسازی نفس**

اما این مسائل باید با توجه رخ بدهد. اگر خودسازی با توجه همراه باشد، دارای جایگاه ویژه‌ای خواهد بود و نقطه مقابل نیز همین‌طور است که اگر افول در خودسازی رخ بدهد و انحطاط با توجه باشد، مرتبه انسان پایین‌تر خواهد بود؛ چراکه فرمود: «ان المنافقین فی الدرك الاصل من النار»؛ بی‌جهت نیست که عده‌ای ائمه کفر هستند؛ چراکه آنها با توجه، پرچمدار کفر هستند و ما هم همین‌طور هستیم، ما سر سفره معنویت اهل بیت علیهم السلام قرار داریم و باید توجه داشته باشیم که اگر ملتزم به لوازم این معنویت نشویم، به عواقب دچار خواهیم شد و این افول برای ما هم وجود خواهد داشت. امام باقر علیه السلام فرمودند: «عالم ینتفع بعلمه أفضل من سبعین ألف عابد». من این کلمه را «یتنفع» می‌خوانم و برخی آن را یتنّفّع می‌خوانند. به‌نظر می‌رسد، منظور حضرت عالمی است که از علمش نفع ببرد که چنین عالمی از هفتاد هزار عابد بزر است و حضرت این مسئله را با مثالی ذکر کرده‌اند. امیدواریم همواره در مسیر معنویت و تهذیب حرکت کنیم و به آن الگوهای کامل توجه داشته باشیم.

● **لزام توجه به مباحث تربیتی در همه بخش‌ها**

در مجموعه‌ای که برای تعلیم و تعلم شکل می‌گیرد، لازم است همه اعضای آن مجموعه با مباحث تربیتی مرتبط باشند و به تعبد به مسائل دینی توجه داشته باشند که در حوزه‌های علمیه این چنین است؛ یعنی حتی برای خادمین مدارس هم، مباحث تربیتی مطرح می‌شود. من دیده‌ام که گاهی کتابی به این عزیزان می‌دهند و می‌گویند: مطالعه کنید. بنده وقتی با راننده‌ای همراه می‌شوم، کتابی به ایشان می‌دهم تا در هنگام استراحت مطالعه کنند و خیلی‌هم خوشحال می‌شوند. گاهی کلاس‌هایی برای این عزیزان قرار می‌دهیم و حتی مباحث احکام را برای آنها ذکر می‌کنیم. همچنین لازم است مدیر مدرسه دغدغه اداره علمی و معنوی مجموعه خود را داشته باشد. مرحوم آیت‌الله مجتهدی رحمه‌الله چنین شاخصه‌ای داشتند و هر سه وعده نماز جماعت را خودشان می‌آمدند و تقدّ داشتند که فقط یک کار داشته باشند که همان مدیریت حوزه علمیه بود و خودشان می‌فرمودند: من جای دیگری نیستم. ایشان فعالیت تعلیمی هم داشتند و در دو سطح علوم را تعلیم می‌دادند. بنده از سال ۱۳۴۸ به بعد، چند سالی توفیق داشتم، از ایشان استفاده کنم. ایشان گاهی می‌گفتند: یک صفحه از رساله عملیه را بنویسد تا ما با مسائل شرعی آشنا باشیم. همچنین می‌گفتند: یک صفحه هم از معراج‌السنّعه بنویسد و خودشان هر روز این تکالیف را می‌دیدند. در سطوح بالاتر که طلبه وارد لمعه می‌شد، ایشان شراعی یا جامع‌السّعه درس می‌دادند و به افکار طلاب مدرسه نظارت داشتند که با چه کسی ارتباط دارد و مواظب افراط و تفریط در مسائل مختلف بودند. در تهران و شهرستان‌ها هم، چنین مواردی دیده می‌شود که مدیران مدارس این‌طور عمل می‌کنند و در عرصه‌های مختلف موفق هستند؛ به‌عنوان مثال مدرسه

دستورات شرع و روابط گوناگون است. این‌طور نیست که کسی بخواهد مجاهده کند، باید از ازدواج پرهیز کند. اینها افکار افراد کوتاه‌بینی است که این‌طور تخیل می‌کنند که برای تهذیب نفس این‌طور عمل کنند که از یک عرصه راحت شوند و به عرصه دیگر بروند. غافل از اینکه ما دراین عرصه حضور داریم و باید راهکاری داشته باشیم. یک طلبه از ابتدای کار وارد ارتباطاتی می‌شود. نظیر ارتباط با مدیر، ارتباط با استاد، ارتباط با همدرس و امام سجاد علیه السلام بزرگترین زاهد زمانه بودند که در رساله حقوقشان این مسائل را بیان کرده‌اند؛ وظیفه شاگرد نسبت به استاد، استاد نسبت به شاگرد، وظیفه ما نسبت به همسایه، اعم از همسایه خانه و حجره و همسایه کاری و این مسائل نیاز به توجیه و راهنمایی دارد. رهبنایت دیدگاه غلطی است و لازم است، به‌طور ریشه‌ای با این دیدگاه مقابله کرد و از افراط و تفریط دوری کرد. از سوی دیگر، گاهی تفریط می‌شود و طلبه در ابتدای کار وارد عرصه اجتماع می‌شود و مشغول فعالیت اجتماعی می‌شود؛ درحالی‌که مقام معظم رهبری فرمودند: ابتدا طلبه باید درس بخواند تا قدری که پخته شد، از او کار گرفته شود و این کار می‌تواند فعالیت در خود مدرسه باشد تا افراد ورزیده بشوند و آداب ارتباط را یاد بگیرند و بعد وارد اجتماع بشوند و لازم است، از این یاد و تفریط‌ها دوری شود.

● **داشتن اصل در زندگی**

در زندگی دنیایی تحولاتی وجود دارد. کسانی که می‌خواهند، یک زندگی اولیه آرامی به‌حسب ذهنشان داشته باشند، ناچارند مبنایی برای زندگی به‌دست بیاورند. تاجری که می‌خواهد همواره تجارت کند، لازم است اصول تجارت را یاد بگیرد. لازم است سرمایه‌ای را به‌دست بیاورد و در حفظ آن کوشش کند. در روایت فرموده‌اند که اصلی را برای زندگی‌تان قرار بدهید و اگر چیزی بدستتان آمد، زندگی خودتان را توسعه بدهید. در مسائل معنوی نیز ما باید اصولی را مد نظر قرار بدهیم که در هر حالی پایبند به آن اصول باشیم که همان مسئله تعبد به شرع مقدس است. این تعبد یکسری پشتوانه فکری لازم دارد که شامل روشن شدن مقصد و ضرورت رسیدن به مقصد است. قرآن کریم می‌فرماید: «یاایّها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملا فیک»؛ این مسئله حتمی است، «إنّا لله و إنّا الیه راجعون» حتمی است؛ اما بعد می‌فرماید: «فمن أوتی کتابة بیمنه فسوف یحاسب حسابیه ... و من أوتی کتابة وراء ظهره»؛ انسان در دو سمت حرکت می‌کند یا اصحاب یمین است و یا اصحاب شمال؛ کسی جزء اصحاب شمال می‌شود که به تعلقات دنیایی بپردازد. انسان باید به این مسئله آگاه بشود. وقتی گفته می‌شود، ماه رمضان چنین برکاتی دارد، همچنین باید توجه داده بشود که شیطانت در این ماه در زنجیر کشیده می‌شود. نبی اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه شعبانیه فرمودند: «این مسئله یعنی به زنجیر کشیده شدن شیطان زمینه است» و بعد فرمودند: مبادا زنجیر شیطان را باز کنید! اگر چنین بشود، ضربه شیطان سنگین‌تر خواهد بود؛ لذا اگر کسی در ماه مبارک رمضان مبتلا به گناه بشود و تنبه پیدا نکنند، بدتر است. در ایامی مانند ماه رمضان و ماه محرم و در مکان‌هایی مانند کعبه و ... چنین زمینه-هایی وجود دارد؛ اما اگر حالتی که باید حاصل نشود، چه؟ قبل از انقلاب به مرحوم آیت‌الله‌العظمی بهجت عرض کردم: در شرایطی به مکانی می‌رویم که احتمال گناه وجود دارد؛ به‌عنوان مثال زن و مرد مخلوط هستند، چه کنیم؟ فرمودند: فکرت را به امام بده! مسئله این است که فکر شما کجا کار کند. اگر فکر درست کار نکند، شخص وقتی به زیارت امام هم می‌رود، وقتی کتیز حضرت می‌رسد، دست دراز می‌کند و حضرت از داخل اتاق صدا می‌زنند، مراقب باش! در همه مراحل باید خود را آماده این حالت کنیم و این در همه مراحل اساس است. اسماعیل‌بن وزین خدمت امام رضا علیه السلام می‌رسد و وقتی مجلس طول می‌کشد، حضرت به ایشان فرمود: چرا شب را پیش ما نمی‌ماند؟ حتی حضرت بستر خودشان را به اسماعیل‌بن وزین می‌دهند؛ اما می‌آیند بالا سر ایشان و می‌گویند: اسماعیل‌بن وزین مراقب باش! فردا که نزد دیگران رفتی، نگویی من کسی هستم که امام بسترش را به من داد! این تافخاری است که جنبه شخصی پیدا می‌کند و یک رهن است. ما در معرض این رهن‌ها هستیم و لازم است، این توجهات داده بشود. امام به هشام‌بن حکم آن‌طور توجه دادند که بت‌رس از ذلّه. لازم است، این مسائل از ابتدا گفته بشود و مبلغ موفق کسی است که هر دو جنبه رجاه و خوف را بیان کند. اگر در مجلسی از رجاء نسبت به امام حسین علیه السلام حرف زدیم، باید توجه بدهیم که امام حسین علیه السلام در برابر خدا دکان باز نکرده است. این مطلب را هم از مرحوم شاه‌آبادی و هم از مرحوم پدرم شنیدم که می‌فرمودند: شفاعت وجود دارد؛ اما در طول است. گاهی سخنرانیانی مسئله را به‌گونه‌ای بیان می‌کنند که مستمع دچار برداشت غلط می‌شود و لازم است، به هر دو مطلب توجه داده شود. گاهی شخصی در خیر گُل می‌کند و عموم گمان می‌کنند که ایشان مبنای اخلاقی دارد؛ درحالی‌که دارا بودن مبنای اخلاقی بسیار دشوار است و فردی که می‌خواهد مبنای اخلاقی داشته باشد، باید فقیه اخلاقی باشد. در تربیت هم همین‌طور است و نیاز به فقیه تربیتی داریم که اولیات تربیت را بیان کند. وقتی کسی می‌گوید: ملتزم به واجبات باش و از محرمات دوری کن، نباید طوری بگوید که شخصی که می‌خواهد از حرام دوری کند، دچار وسواس بشود. بنابراین همین مسائل هم، نیاز به فقا‌هت دارد.

● **معرفی چند کتاب**

کتاب آداب خوب است، در سال اول حوزه تعلیم داده بشود و جنبه‌های افراط و تفریط مسائل آن بیان بشود. ما در همه مراحل نیاز به جهاد تبیین داریم و افرادی که در هر جنبه‌ای جامع هستند، پرورش داده بشوند تا وارد

<p>آیت‌الله فاضل لنکرانی</p> <p>بها دادن به قرآن کریم موجب تنومند شدن فقه، کلام، حدیث و اخلاق است</p> <p></p> <p>باید همه مردم و جوانان را آگاه کرد که داعش کاملاً از دایره اسلام خارج است و اساساً برای نابودی قرآن کریم و دین اسلام ساخته شده است و در حوادث اخیر نیز، ثابت شد که نقشه دشمن این است که با تجزیه ایران، با دین مقابله کند.</p> <p>به گزارش خبرگزاری حوزه، آیت‌الله فاضل لنکرانی، آبان در نخستین اجلاسیه سالانه اساتید مؤسسه تخصصی ائمه اطهار <small>علیهم السلام</small> که در سالن جلسات این مرکز در قم برگزار شد، در سخنانی ضمن تسلیت به‌مناسبت شهادت جمعی از هم‌میهنان در حرم مطهر حضرت احمدبن موسی <small>علیه السلام</small>، گفت: خداوند بزرگ را شاگرد هستیم که در گام دوم انقلاب اسلامی و در این دوره از حوزه «مباحث تفسیر قرآن کریم، جایگاه خوب و قابل قبولی پیدا کرده است؛ اگرچه تا نقطه مطلوب فاصله زیادی باقی مانده است.</p> <p>وی افزود: هم مسئولان حوزه و هم اساتید همه قائل به این هستند که مباحث تفسیر قرآن کریم، تنها یک امر علمی محض نیست و اگر شما تتبع نمایید و تاریخ را به‌دقت ملاحظه کنید، خواهید دانست که بعد از رسول گرامی اسلام <small>صلی الله علیه و آله</small>، ریشه همه فرق انحرافی در تبیین از متشابهات قرآن کریم بوده است؛ عده‌ای در تبعیت از خروج، جبری‌ها ... به سراغ متشابهات قرآن کریم رفتند و از محکمت‌ا و اصول قرآنی فاصله گرفتند.</p> <p>عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با بیان اینکه، اینکه گفته شود، فلسفه تشریع احکام تنها اصلاح امور جامعه است، به‌نوعی تبعیت از متشابهات است، خاطرنشان کرد: من از بابت «مقاصدالشریعه» نگرانی دارم. من در ابتدا فکر می‌کردم که مقاصدالشریعه مثل موربان‌ه تنها به جان فقه می‌افتد؛ اما الان مشاهده می‌شود که به جان قرآن کریم نیز افتاده است و کم‌کم قرآن کریم را هم کنار می‌گذارند.</p> <p>وی افزود: مقاصدالشریعه امروزه یک خطر بسیار بزرگ برای مجموع دین است و ریشه آن نیز، اتباع از متشابهات است. امروزه هرچقدر می‌گذرد، جامعه بشری و عموم مردم بیشتر از هر زمانی به قرآن کریم و معارف ولّای آن نیاز دارند.</p> <p>رئیس مرکز فقهی ائمه اطهار <small>علیهم السلام</small> در ادامه سخنان خود، فقه را شیرازه حوزه‌های علمیه شیعی دانست و گفت: فقه، شیرازه حوزه‌های علمیه و مبتنی بر قرآن کریم است و باید مسائل مستحدثه و فقه معاصر و چیزهایی که عموم بشریت به آن نیاز دارند، به خوبی و صحیح اجتهاد و استنباط شود.</p> <p>آیت‌الله فاضل لنکرانی گفت: اصلاً باید گفت که دین یعنی حکومت؛ چراکه هر پیامبری و هر دینی که از سوی خدای متعال برای بشر آمده است، برای حکومت بوده است و درباره این حقیقت نیز، شواهد فراوانی در قرآن مجید وجود دارد.</p> <p>وی افزود: امروز بها دادن به قرآن کریم، موجب تنومند شدن فقه، کلام و تفسیر می‌شود و باید از خدای متعال بخواهیم، توفیق ارتباط و انس با این کتاب آسمانی را به ما بدهد.</p> <p>عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در بخش پایانی سخنان خود، با اشاره به حوادث اخیر در کشور خاطرنشان کرد: باید همه مردم و جوانان را آگاه کرد که داعش کاملاً از دایره اسلام خارج است و اساساً برای نابودی قرآن کریم و دین اسلام ساخته شده است و در حوادث اخیر نیز، ثابت شد که نقشه دشمن این است که با تجزیه ایران، با دین مقابله کند.</p>	
--	--

مسائل آموزشی حوزه بشوند. برخی کتب هم عمومی هستند. بنده معتقدم، در مرحله اول باید به واجبات و محرمات آگاهی پیدا کنیم و پایبند به این مسائل بشویم. بنده کتاب قرآن کریم شهید دستغیب را در این جهت مناسب می‌بینم؛ البته این کتاب کامل نیست؛ ولی کتاب‌هایی از این دست زیاد نیستند تا عرضه بشوند؛ بنابراین نیاز به تدوین چنین کتاب‌هایی از سوی افرادی که صاحب دیدگاه جامع هستند، احساس می‌شوند و دیگر کتاب‌های ایشان مانند قلب سلیم هم خوب هستند. برخی کتب علمی هستند؛ اما کتاب‌هایی که جنبه تربیتی دارند، به این جهت مناسب هستند که وقتی شخصی بخواهد، به این امور ملتزم بشود، بداند که با چه دیدگاه و پشتوانه‌هایی وارد بشود. البته مشغول تدوین کتابی در این رابطه هستم که به نظر می‌رسد، جنبه‌های مختلفی را به‌صورت کلیات در بردارد که ان‌شاءالله منتشر خواهد شد.

تهیه و تنظیم: حمید کرمی، عماد شایلیاریان